

بخش سوم سرمایه جلد اول سرمایه

فصل پنجم

فرایند کار و فرایند ارزش افزایی



فرایند کار

فرایند کار فرایندی است که سرمایه دار نیروی کار را در پروسه تولید به مصرف می رساند و دو نکته در این فرایند اهمیت دارد:

- کارگر تحت کنترل سرمایه دار کار می کند و کارش به او تعلق دارد.
- محصول کار جز دارایی سرمایه دار است و کارگر که تولید کننده آن از تصاحب آن محروم اند.

فرایند کار همانا فرایند بین چیزهایی است که سرمایه دار خریده است و باین ترتیب محصول این فرایند به او تعلق دارد.

عناصر فرایند کار

فرایند کار = کار + ابژه کار + ابزار کار

عناصر فرایند کار

کار چیست؟

- فرایند میان انسان و طبیعت
- انسان با کار طبیعت و خود را تغییر می دهد
- کار انسان با آگاهی توأم است. انسان با هدف و پلان معین کار می کند
- در پایان فرایند کار، محصول و نتیجه بدست می آید که از همان آغاز در تصور کارگر بوده است.

عناصر فرایند کار

ابژه کار: آنچه کار بر روی آن صورت می گیرد. مواد خام ابژه با موضوع هستند اما هر ابژه کار مواد خام نیست.

عناصر فرایند کار

ابزار کار: وسیله‌ای که بین کار و ابژه کار برای تاثیر گذاری و تغییر موضوع کار استفاده می‌شود

- وجه تمایز اعصار متفاوت اقتصادی این نیست که چه چیزی ساخته شده بلکه در این است که چگونه و با چه ابزار های ساخته شده است
- فرانکلین انسان را «حیوان ابزار ساز» می‌نامد
- ماقبل تاریخ بر اساس ابزار کار شان تقسیم بندی شده است: عصر سنگی، برنز و آهن
- بقایای ابزار قدیمی جهت پژوهش صورت بندی های اجتماعی و اقتصادی کاربرد دارد همچون استخوان های فسیلی برای تعیین ویژگی های حیوانات منقرض شده

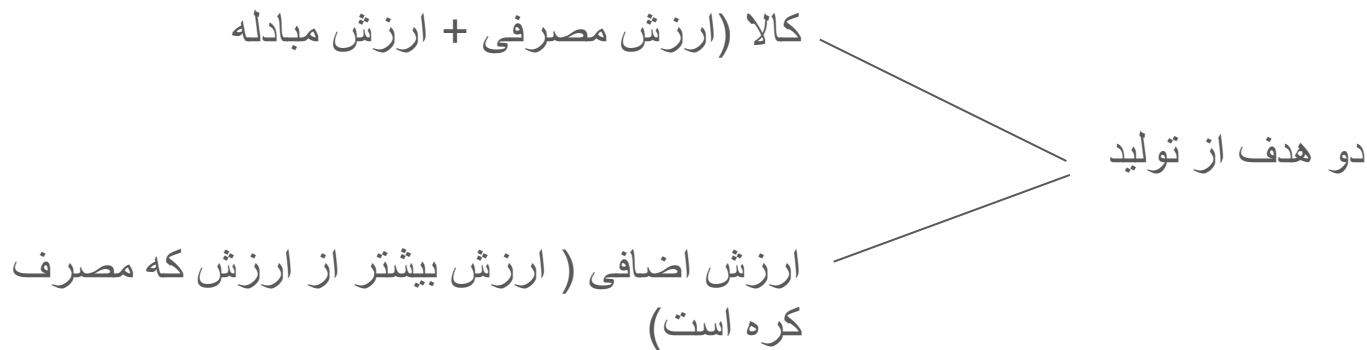
عناصر فرایند کار

محصولات کار:

- محصولات کار یک ارزش مصرفی است. کار در ابژه اش تنیده یافته و یک کار شیئت یافته است
- پروسه کار و تولید به شی و هستی منجر می گردد . حرکت به سکون می انجامد.
- محصول کار در مرحله بعدی می تواند جز وسائل تولید گردد
- یک ارزش مصرفی می تواند بنا بر جایگاهش در فرایند تولید متفاوت باشد: ماده خام، ابزار کار و محصول کار.
- مصرف مولد مانند مصرف فردی که محصولش خود فرد مصرف کننده است، فرق می کند.

۲- فرایند ارزش افزایی

هدف سرمایه دار نه تنها تولید ارزش مصرفی بلکه کالا است، نه تنها تولید ارزش مصرفی بلکه ارزش است و نه فقط تولید ارزش، بلکه ارزش اضافی می باشد.



فرایند تشکیل ارزش

- در فرایند کار توجه به کیفیت است اما در فرایند تشکیل ارزش تمرکز بر کیفیت
- فرایند کار تابع زمانی است که کارگر برای انجام کار خود لازم دارد و زمان کار (اجتماعا لازم) بیان ارزش است.
- «فرایند تولید به مثابه وحدت فرایند کار و فرایند تشکیل ارزش، فرایند تولید کالاهاست. فرایند تولید به مثابه وحدت فرایند کار و فرایند ارزش افزایی، فرایند تولید سرمایه داری یا شکل سرمایه دارانه ی تولید کالاهاست»
- در هر فرایند تشکیل ارزش تقلیل نوع بالاتر کار به میانگین کار اجتماعی یک امر اجتناب ناپذیر است.

فرایند ارزش افزایی

مخارج روزانه نگهداری آن = ارزش مبادله نیروی کار

نیروی کار

مصرف روزانه آن در کار = ارزش مصرفی آن

فرایند ارزش افزایی

- ارزش نیروی کار و ارزش افزایی نیروی کار دو مقدار کاملاً متفاوت اند
- ارزش وسیله معاش روزانه ی نیروی کار فقط نیم روز است، در حالی که همین نیروی کار می تواند در کل روز کار کند.

ادعای سرمایه دار:

- ادعا می کند که مواد و ابزار کار را در اختیار کارگر قرار می دهد و بدون آنها تولید نا ممکن است. بنابراین در ازای چیزی دریافت می کند.
- کار نظارت و سرپرستی پروسه ی تولید را بعهده دارد.

فصل ششم

سرمایه ثابت (وسائل تولید)

سرمایه

سرمایه متغیر (نیروی کار)

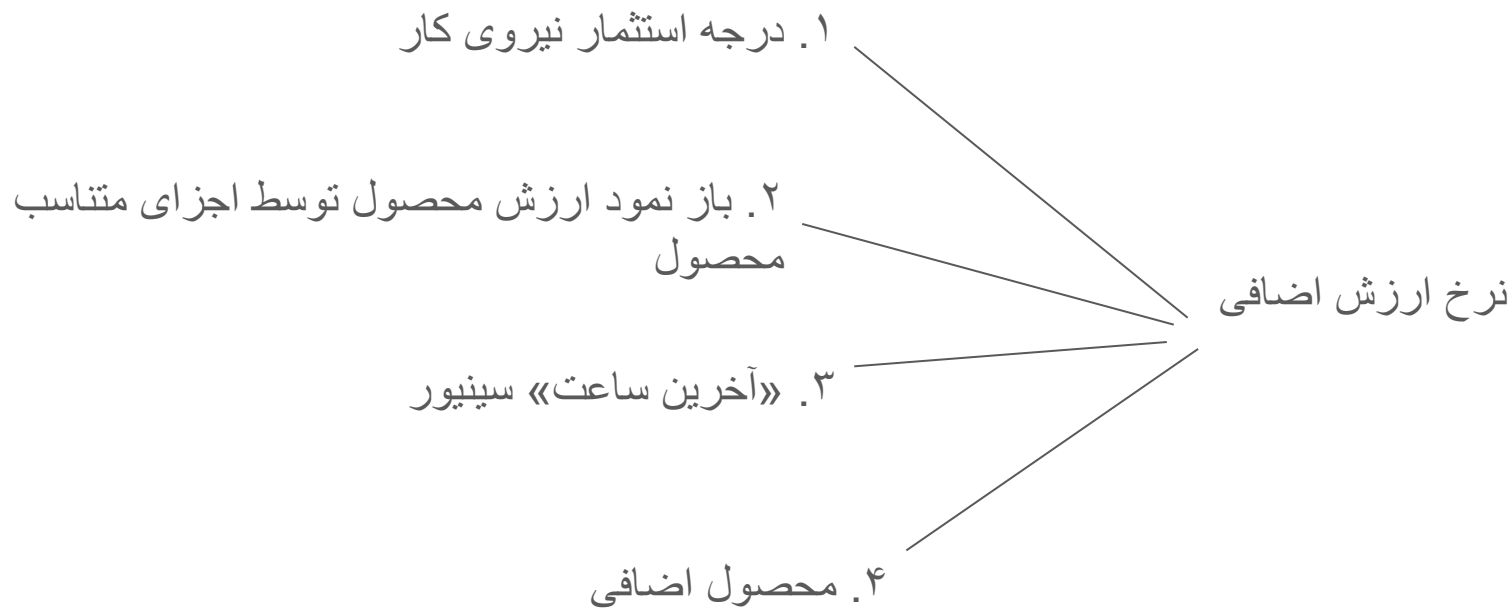
نقش کار در انتقال ارزش قدیمی و خلق ارزش جدید

- کارگر فقط با افزودن ارزش جدید، ارزش قدیمی را حفظ و به محصول انتقال می دهد
- هر چه زمان لازم برای فرایند کار مثلا رسیدن مقدار معین از پنبه طولانی تر باشد، مقدار ارزش تازه افزوده به پنبه بیشتر می شود.
- هرچه مقدار مقدار پنبه رسیده در زمان معین بیشتر باشد، مقدار ارزش قدیمی که در محصول حفظ می شود، بزرگتر خواهد شد.

سرمایه ثابت

- کالا با از دست دادن ارزش مصرفی خود، ارزش خود را نیز از دست می دهد اما وسایل تولید با از دست دادن ارزش مصرفی شان ارزش خود را از دست نمی دهند
- در فرایند کار وسایل تولید ارزش خود را به محصول تنها تا جایی انتقال می دهند که ارزش مبادله ای خود را همراه با ارزش مصرفی مستقل شان را از دست بدهند. آنها فقط ارزش را به محصول انتقال می دهند که خود به عنوان وسیله تولید از دست داده اند
- اشیای مانند زغال و روغن که در پروسه ی تولید مصرف می شود و ناپدید می گردد اما بار دیگر در خواص محصول پدیدار می شود
- مواد خام جوهر محصول را تشکیل می دهد، مواد خام و مواد کمکی شکل مستقل خود را در پروسه تولید از دست می دهد.
- افزار ها، ماشین ها و ساختمان در طی چندین سال ارزش خود را به محصول انتقال می دهند.

فصل هفتم



۱. درجه استثمار نیروی کار

$$C = c + v$$

پول برای نیروی کار $v =$, پول برای وسایل تولید $c =$, سرمایه کل $C =$

$$D = (c + v) + s, \text{ ارزش محصول بعد از تولید}$$

تحلیل:

$$c = 0, \Rightarrow C = v, D = v + s \Rightarrow D - C = s \text{ هرگاه}$$

$$s = 0 \Rightarrow C = D \text{ هرگاه}$$

۱. درجه استثمار نیروی کار

کار اضافی / کار لازم = s/v = نرخ سود

$$\text{نرخ استثمار} = s/C = s/c+v$$

- زمان کار لازم: برابر است با ارزش نیروی کار
- زمان کار اضافی: مساوی است با ارزش اضافی

۲. باز نمود ارزش محصول توسط اجزای متناسب محصول

با مثال که مارکس آورده تحلیل می کنیم

- ارزش ۳۰ شیلینگ نخ = ۲۴ شیلینگ سرمایه ثابت + ۳ شیلینگ سرمایه متغیر + ۳ شیلینگ ارزش اضافی
- اگر ارزش ۳۰ شیلینگ در ۲۰ پوند نخ گنجد، آنگاه ۸/۱۰ این ارزش (۲۴ شیلینگ) سرمایه ثابت است. ۸/۱۰ که در ۱۶ پوند نخ گنجد است که ۱/۳ ۱۳ پوند ارزش ماده خام معادل ۲۰ شیلینگ و ۲/۳ ۲ پوند باز نمود ارزش مواد کمکی و وسایل مصرف شده که معادل ۴ شیلینگ است.
- ۲/۱۰ یا ۴ پوند باز نمود چیزی جز ارزش ۶ شیلنگی نیست که در جریان ۱۲ ساعت تولید شده است. ۴ پوند نخ که کل ارزش تولید شده در فرایند تولید در نخ متراکم شده است که نیم آن ارزش نیروی کار و نیم دیگر باز نمود ارزش اضافی است. چون ۱۲ ساعت در ۶ شیلنگ شیئت می یابد و واضح است که در ۶۰ ساعت کار در ارزش ۳۰ شیلنگ شیئت می یابد.

سرمایه متغیر

- هدف خاص کار شامل حفظ و انتقال ارزش وسایل تولید به محصول و خلق ارزش اضافه
- فعالیت نیروی کار نه تنها ارزش خود را بازتولید می کند، بلکه ارزش بیشتر از آن را تولید می کند. این ارزش اضافی عبارت است از فزونی ارزش محصول به ارزش عناصری که در تشکیل محصول مصرف شده اند.
- ممکن است تغییرات خارج از پروسه ی تولید بر ارزش سرمایه ثابت وارد شود و قیمت محصول در نتیجه آن تغییر نماید.
- تغییر در تناسب کمی سرمایه ثابت و سرمایه متغیر نه می تواند در منبع ارزش اضافی که از سرمایه متغیر ناشی می شود، تغییری رونما گردد.

۳. «آخرین ساعت» سنیور

- بنا بر تحلیل اقتصاددان بورژوایی سنیور که خواهان افزایش ساعات کار کارگران بود، سود خالص سرمایه گذاری در یک کارخانه را آخرین ساعت کار می دانست.
- مارکس تحلیل او را نقد می کند و ثابت می سازد که روز کار کارگر میان کار لازم و کار اضافی تقسیم می شود. معمولاً نیم روز کاری کارگر کار لازم و نیم دیگر کار اضافی است. در یک چنین حالت نرخ سود یا ارزش اضافی ۱۰۰٪ می باشد. اگر ساعات کار اضافی از ساعات کار لازم بیشتر باشد، نرخ سود از ۱۰۰٪ افزایش می یابد.

۴. محصول اضافی

- آن بخش محصول که مظهر ارزش اضافی است، محصول اضافی می نامیم
- چونکه تولید ارزش اضافی هدف تعیین کننده ی تولید سرمایه داری است، میزان ثروت نه با کمیت مطلق محصول بلکه مقدار نسبی محصول اضافی سنجیده می شود
- کار روزانه یک کارگر = کار لازم + کار اضافی